

## چگونه بر دشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

### دشواری های انقلاب

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفقند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری های فراوان روبروست.

سررسی کمی موشکافانه تر نشان می دهد که این دشواری ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه همه جانبه و پیگیر همه جانبه دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور؛

۲. کمودها و نارسایی های ناشی از بی تجربه گی ها، اشتباهات، شکستگری ها، خودمحوری ها و ارزیابی های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای مدافع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

آنچه که از سرچشمه اول بیرون می ریزد، مجموعه اقدامات کین توزانه ای است که به وسیله طیف گسترده "جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستبازی همه عوامل شناخته شده و شناخته نشده اش در جهان و ایران، بی دربی علیه انقلاب میهن ما انجام می گیرد.

سرستی از این اقدامات قابل دیدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی ارسوی آمریکا و هم دستاش در اروپای غربی و ژاپن، توقف دارائی های ایران، توطئه کودتای طس، کودتای نوزه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آتوب و شورش ضدانقلابی در کردستان، توطئه برای سنج و منحرف ساختن انقلاب

به یاری دست آمورانی چون امیرانظام ها، قطب زاده ها، بزدی ها، بنی صدرها، سلامان ها و نویسی ها و دیگر لبرال های آمریکازده "جبهه ملی"، "نیمت آزادی"، "رجبیری ها" و سایر گروهک های آمریکاساخته، و سرانجام اجرای نقشه های تروریستی - بخشی به دست ساواکی ها و سلطنت طلبان و جنایتکاران حرفه ای و بخشی به دست گمراهان و بازی خوردگان جوانی که به آلت بی اراده

اجرای دستورهای تسکارسه، رهبران حاشی خود تبدیل شده اند.

گروه دیگر دشواری های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل دیدن هستند. این دشواری ها از یک سو به دست ستون پنجم امپریالیسم در زمینه های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و وابستگان به اقتدار متنازعاً همه ایجاد می شود، و از سوی دیگر به دست ستون پنجم سیاسی امپریالیسم، یعنی ساواکی ها و سایر نهادهای آمریکا که خود را در نهادهای انقلابی و مقامات

مسئول کشوری و لشگری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در نقاب "مسلمان متعهد" جا زده اند. این عناصر با خرابکاری های اقتصادی و سیاسی خود نظام

جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره از درون می خورند و ناتوان می کنند و سه شیوه های زورخانه تخم نفاق و دشمنی در میان مبارزان راه انقلاب - اعم از مسلمانان سازز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می کارند.

توطئه ناراضی تراشی یکی از عمده ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگند خورده انقلاب، در دوران دوسال وینیی که از پیروزی انقلاب می گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده اند که بدون ایجاد تزلزل در بایگه اصلی انقلاب، یعنی در میان توده های ده ها میلیون رحمتگشان شهر و روستا، فرستادن به انقلاب

نتیجه مطلوب برایشان بیار نخواهد آورد.

از این رو است که ناراضی کردن توده های میلیونی یکی از مهم ترین بخشهای فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می دهد. این عمل به شیوه های گوناگون انجام می گیرد: هم از راه جلوگیری از درگونی های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب در تولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاها، مورد نیاز همگان و غارت روزافزون درآمد ناچیز رحمتگشان به دست سرمایه داران زالوصعت، و هم از راه های بسیار زیرکانه و مودیانهای مانند ایراد مشارهای به کلی غیر ضرور سه

مردم در زمینه های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه های مشکوک که هدفش درسبازی موارد برکنارکردن عناصر وفادار بو انقلاب و بیشتران جمهوری اسلامی ایران از کار و جایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیر

انتظام ها، گلایه ها، کسمیری ها، صادق ها و مزیدی ها در سطوح مختلف است.

مجموعه این دشواری ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین توزانه و آشتی ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، از همان روزهایی که پیروزی انقلاب در افاق پیدا کرده است، قابل پیش بینی و بخش

عمده ای از آن ها می ترسید قابل پیشگیری و اجتناب بود. تجربه ده ها و ده ها انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی در سراسر جهان نشان می دهد که در آن انقلاب ها

نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً عین همین توطئه های تسکارسه را عملی کرده اند. این که این توطئه ها تا چه حد ناسفته است در این با آن انقلاب مشخص موفقیت آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم بستگی و آمادگی نیرو

های پاسدار و گنجان انقلاب برای رویارویی با این توطئه ها داشته است.

با کمال تاسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی

انقلاب شکوهمند ضد سلطنتی، ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی

میهن عزیز ما، که به درسی بکی از سرگرتین رویدادهای سیاسی سال های اخیر

جهان ارزیابی می شود، لحظات بسیار حساس و سربوخت سازی را می گذراند. این

حساس بودن از آن جا ناشی می شود که انقلاب سرگرتین مادر لحنه کونئی، درگرت

یکی از سخت ترین سردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.

ویژگی برجسته لحنه، کوسی انقلاب ما در این است که از کسو مادر هم

شکسته شدن توطئه سازشکاران و تسلیم طلبان لبرال و گمراهان چپ رو، سد

بررگی از سر راه برای زرفش انقلاب در دوست گیری اساسی اش یعنی سمت گیری

ضد امپریالیستی و سمت گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عودانه و

خیانت کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت می یابد.

بدون تردید در همدام خمینی، رهبر انقلاب و سایر کادرا جمهوری اسلامی در

بازه لزوم اتخاذ تصمیمات همه جانبه به سود محرومان و تعویض اختراعات مهمی در این

زمینه مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت احداث شرایط ضروری برای

تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیشروی سوی تامل عدالت اجتماعی برداشته شده است

این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت

مبارزه علیه همه توطئه های ضد انقلابی و سرچشمه های این توطئه ها بر توان تر ساخته

است. مقاومت عودانه و سرسختانه دشمنان انقلاب شدت پیدا می کند و اراده نیرو

های عظیم انقلابی میهن ما برای درهم شکستن این مقاومت هر روز رابخت تر و توان آن ها هر

روز بیشتر خواهد شد. دشواری بر سر راه پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز سار

است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری ها به مراتب زیاد تر است.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضد امپریالیستی، آزادی خواه و

مردمی و با ایثار کم نظیر توده های ده ها میلیونی رحمتگشان شهر و روستا و به

رهبری بادرایت امام خمینی، با پیروزی سرگرتین تاریخی خود، ضربه بسیار

در دناکی بر پیگرت دشمنان سوگند خورده خلق های کشور ما و پیش از همه سر

امپریالیسم جهان خوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج گیری خود، آماج

کینه آشتی ناپذیر این دشمنان قرار گرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم

آمریکای، در مقام سرگرده همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم

جهانی، رژیم های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضد انقلاب کشور ما، پس از آن که

تجاوز جنایت بار آمریکا - صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسید و

آخرین توطئه شان که به دست بنی صدر پیاده می شد، با آگاهی و رویو گردید،

تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه ای در جهت سراندازی

قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت منگی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک ترویج تروریسم

کور، و ایجاد کانون های شورش و بهره گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمیل

شده به میهن ما، تجاوز در مرزها و درگیر کردن کشور ما در جبهه های دیگر؛

۲. تشدید دشواری های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از

خارج و خرابکاری های اقتصادی از راه احتکار - گران فروشی و غیره به وسیله

غارنگران داخلی؛

۳. روشن کردن ودامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدو خورد میان

نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی؛

۴. تشدید همه جانبه عوامل ناراضی کننده، قشرهای گسترده مردم شهر و

روستا؛

۵. اغلال هرچه بیشتر در ناسیات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و

جنبش ها و همه نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امدوارند که با

کامیابی در این پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن چنان ناتوان

سازند که برانداختن آن از راه ضربه ای از درون ویا از بیرون و یا از راه جاردن

خاثنی فائتد سادات و یا حقیقتاً املین، بدون دشواری انجام پذیرد.

خوب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس

مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، برآندند که تنها با تجهیز و اتحاد همه

نیروهای وفادار به آماج های انقلاب می توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب

را با کمترین تلفات عقیم گذاشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج ها

بیشتر برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر

توطئه های آینده دشمنان گزیند پایبند ساخت.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ

به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج های

انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای پایه ریزی چنین اتحادی بر می دارند

و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحنه کونئی، اردشوارها و راه چیره مند بر

آن ها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و

مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین

کهرضبه، مهلکی بر همه توطئه های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی خوانند.

امپریالیسم جهانی آمریکا. سواسته‌اند، با بهره‌داری از مفاصع نیروهای انقلابی، برای حشش مہمی از نوطه‌های خود پوشش‌هایی به دست آورد.

دشوارهایی که از سرچشمه دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این دسته از دشوارهای، در مجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال انقلابی است. چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند و چه آن بخش که، بدون شرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول طعم سنگینی‌تر از مسئولیت‌بخش دوم است. در عین حال که هر دو بخشی در برابر خلق و تاریخ و انقلاب جوانگوی عملکرد خویشند و اشتباهاتی نمی‌تواند به عنوان عذر و سپانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این دسته از دشوارهای، آنچه از بی‌تجربگی و نا کم‌تجربگی و باختی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چارچوب معنی قابل حشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در جریان تلاش برای حل آن‌هاست که چربسده می‌اندوزد، ولی این تلاش هر اندازه هم که همه‌جاسه و مداکارانه باشد، خالی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چس اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه ناخوشودنی است، دشوارهای ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین کننده، سرنویست روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشوارهای، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطه جهانی جابرانه امپریالیسم، نقش تعیین کننده در سرنویست انقلاب دارند، بر سارچره انقلاب‌های چند دهساله، پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در ساند تغییر کیفی در تناسب نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و دولت‌های رها شده از ربح‌سارنارت استعمارکبه و استعمار، رهبری‌های انقلاب‌های صد امپریالیستی و مردمی، در صورتی که نتوانند با درایت و تیریبینی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تهبیز کنند، می‌توانند سرهمه، دشمنان انقلاب حیره شود و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی و بی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم حشند و آن را به سوی پیشرفت گسترش دهند. و بر عکس، غلبه تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن از یک سو و برای رندند دشوارهای ناشی از بی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، وسیله کمک آن‌ها برای دسسه‌های خطرناک و نوطه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه نوطه‌ها، جداسازی و نه‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تاسف مردم انقلابی ایران با نگرانی سار شاهد این واقعت دردناک هستند که این بیماری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و ریشه دوانیده است. جامعه انقلابی ما در مرحله کنونی با طیف پهن‌آوری از همه این دشوارهای، یعنی هم با دشوارهای ناشی از فعالیت دشمنان و هم با دشوارهای ناشی از عملکرد منفی خودی، دست به گریبان است. ضمناً تاریخ انقلاب‌های پیروز شده و شکست خورده به ما می‌آموزد که چیره شدن بر بی‌آمدهای اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره شدن بر دشوارهای ناشی از فعالیت ضدانقلاب مهاجم و دسیه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای مؤثر و تعیین کننده و به ویژه حاکمیت انقلابی نتوانند سرگراش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و بی‌بیش داری‌های بی‌پایه در صفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بر دشوارهای ما باید بیش از هر چیز این دشوارها را شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که سرای ریشم کن ساختن این دشوارها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را، بدون هدر دادن، در چینه متحدی کرد. آورد، و با در نظر گرفتن نیروها و امکانات موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره، حریف، نقشه دقیقی برای نیرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه وارد ساختن ضربه اصلی سر ضعیف‌ترین نقطه، چسه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره شدن بر دشوارهای هائی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قد علم کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و بیگیری انقلابی، امکان پذیر است.

### شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر

خوشخانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از پرداخت‌بهای سنگین)، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها و سایر گروه‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و حامیان راه عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.

ولی می‌توانستیم هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، مفاصع صغف حدی وجود دارد.

به نظر ما، عمده‌ترین عامل افزایش دشوارهای ناشی از نفوذ صدام‌علا در دوران حاکمیت و نهادهای انقلابی، همین صغف نیروهای راستین انقلاب در

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر است. در درون حشش مہمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کار گرفته شده و می‌شود که: "هرکس به ظاهر مرا صد درصد تایید کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن است. با این سنجش، اگر کسی ظاهر به معاشر مدهمی کند، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را "خالش" خطاب کند و "مرگ سروروی" را مطرح کند که شمار مرگ بر آمریکا ایرادها برود، او "دوست" است. حتی اگر کمسری و کلاهی و حارزاده‌ها و صادوی... باشد. و اگر کسی با صداقت و صراحت بگوید: من پیرو سواستلم علمی‌هستم. و سائگم اعتقادانم، اراخط صدام‌سدادی و صد امپریالیستی و مردمی امام خمینی بی‌شائبی می‌کنم و حاضرم برای دفاع از مہم در مقابل نخواستار آمریکائی صدام‌جان خود را فدا کنم، او دشمن است. و ساند طرد شود.

با کمال تاسف، در ساند عملکرد هم صغف بزرگ و خطرناک، در حشش دوستان پس از پیروزی فرصت‌های سارمائی برای ترکوب صدام‌علا و تسب و ناکم و کمسری و صاوردهای انقلاب اردست رفت. در این دوران دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با اسفاده از عناصر خود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به انکای دولت "کام به کام" لسرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروختگانی چون قطر زاده و سی‌صدر و سلامیان و نظائران، که همور هم سونه‌های شاخه شده، آنان همسا در حارهای حشش نشسته‌اند. ارتکوب، و امثال کمسری و حارزاده و کلاهی و صادوی و سوزی و... و ساروی دیگر لطعات سنگینی به انقلاب زدند. در ساند که سوزی لا برال بوده‌های انقلابی و مداکاری و ارا خودگذشتگی و اسار کم‌ساعه، سارزان راستین راه انقلاب، حه در حاکمیت و نهادهای انقلابی وجه در مان سروهائی سشسان انقلاب در خراج از حاکمیت، بر رهبری ادارات، سی‌لرل و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این سوطه، خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عمیق گذاشته است، ولی در همین حال سادمه نگری است اگر تصور شود که این نوطه منحرف‌سختی انقلاب ایران از راه اصلش، برای همیشه با شکست روبرو شده است. اسشاه باحتی است اگر پذیرفته شود که زسه، این نوطه، همان‌طور که امام خمینی با دآر شد، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت صرناستی بر سکر انقلاب وارد ساخته، که تاکنون برای مہم ما سار گران نام شده است. حاسات اگر همه، سارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته، تاریخی امام خمینی را به یاد سار و در سارم کارورانه خود همواره بدان نوحه دانسته باشند: "نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تافله‌های آمریکا. این تافله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شسه ۱۱ شره ۱۳۶۰

تنها با نگرستن این رهنمود، سروهائی راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک‌ترین سرچشمه، اتحاد تشنج و معای را در درون حسه، سروهائی انقلابی شناسائی کنند و این سرطان خطرناک را دور سارند. در این ارتباط سار سارجات اگر توجیه کسم که همه، معاصری که امروز خاستگان مسلم شده است، با چند جنگ‌افزار ساسی وارد میدان شدند: سظاهر به اسلام، حتی در موهائی سظاهر به "اسلام اعرافی و قسری"، دسسی کنی توارنه با سختی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه حاجز توده ایران، و بر عکس گذشت دوستی و پیشینیانی از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی‌ها، مائوئیست‌ها و سایر تافله‌های آمریکا و دشمنی لجام‌سگسخته با کشورهای سوسیالستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یک سو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و ژاپن از سوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانه، کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و سایر رالوهائی اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب و حلوقیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکننده، غارت چپاولگران است.

بدین سان، سروهائی انقلابی برای شناخت دوستان راستین و دشمنان کین‌توز انقلاب پیش از هر چیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این رفنه خودمحوری و تنگ‌نگری است. بر پایه خودمحوری و تنگ‌نگری قسری یا اجتماعی- طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

### معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موتی‌ترین معیار سنجش در این زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های دهه ملسونی رحتگشان، مہم دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه چسه، متحد صدام‌علا داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به سرد برخاستند و با جانساز و ایثار کم‌نظیر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش متبلور گردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به سلط جابرانه و غارتگرانه، امپریالیست‌ها و نامہم همه‌جاسه، استقلال ملی؛
- سرگون ساختن کلاخ استداد و سبادگری و تاسمین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛
- لحام ردن به غارتگری سی‌صدبار چپاولگران اجماعی و تاسمین عدالت اجماعی به سود بوده‌های محروم و غارت‌سده.
- اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره و بدون کوچک‌ترین عسر، مورد تاکید قرار داده‌اند، حه در مورد مسائلی س سروهائی اجماعی درون جامعه انقلابی خودمان و حدر مسائلی کورمان با دیگر کسورها و سروهائی اجماعی سار سرحان، درست به کار سیم، سی‌درند خود را ارساری از اشتباهات، ساند از عمد درس حشش ان، سحاب سواستلم داد.

بزرگترین مسئولیت تاریخی آن حسن از سروهای انقلابی، که خود را سرو خط امام خمینی می‌دانند، شناختن درست و کاربرد عملی همین معیار است.

### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، کمرای معین معیارهای مورد بحث دارای ارزش سازاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف نظر از برخی کاسی‌ها و تاریخی‌ها، جهات اصلی تمسک‌گیری انقلاب صداعندآدی، صدامیرتالیسی و مردمی ایران برسم‌بند. و اصول ضروری برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" ناهد قابل توجهی با نگهداری شده است. در سر عهد صادقانه در اجرای بدون حده و قانون اساسی، حسن کام در راه سیاسی از انقلاب شکوهمند مردم مبین ماست و نه سروهای انقلابی کمک می‌کند، با معیارهای واقعی را برای صاحب دوسان و دشمنان انقلاب به دست آورد.

حزب پوده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، سپید دوست و آزادخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، براندازی کامل سلطه، جارانه، استعمار و استعمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی - اجتماعی بوده‌های دهه‌ها مصلوبی کارگران و سایر رهنمگان سپهر و روستا را اساس برنامه، خود فرار داده‌اند. نظر خود را در این زمینه برای دیگر سروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عهده نوزدهم می‌باید به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مصلحان انقلابی، پیروان راستین خط امام خمینی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و با حداقل سازندگ است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مانی عمده‌ی خود، با تمام سرواز خط صدامیرتالیسی و مردمی امام خمینی سیاسی می‌کشم و با تکمیل حسگی - ناپذیر در راه ایجاد جامعه، متحدی از همه، سروهای سروخط امام خمینی، از همه سروهای بستن خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشم.

### الف. استقلال ملی

به نظر ما، استقلال ملی برای خلق‌های مبین ما همگامی با این است که ریشه‌های هنرگرمه تسلط جارانه، سیاسی، سلطه عارتکرانه، اقتصادی، سلطه آمرانه، نظامی و تسلط گمراه کننده و منحرف‌سازنده، فرهنگی استعمار و استعمار و حتکنانده شود و سرنوشت مبین ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برند، سپا و تنهایی با اعمال اراده، آزاد نوده‌های دهه‌ها مصلوبی رهنمگان تعین گردد.

طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند سپاس می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری در زمینه نام استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون سر مردم مبین ما به پیگیری سرنوشت‌ساز برای شست و تحکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب ایران در زمینه استقلال همه‌جانبه به همه آماج‌های خود رسیده است.

در زمینه استقلال سیاسی امیرتالیسم جهانی، به سرگردگی امیرتالیسم آمریکا طی دو سال و نیم گذشته، در خاکست ساسی، به وسله عملی که در نهادهای انقلابی جارده بود، در مجموعه، جوسایی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار داشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی خاکست جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره‌گیری می‌کرد، با کمال تأسف باید گفت که، هنوز هم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تا همین اواخر وزارت خارجه، ایران و تقریباً تمام ترکب هفت‌های نمایندگی ایران در سراسر جهان در دست بارماندگان عیان و نهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امیرتالیسم، یعنی سنجایی‌ها، بزدی‌ها، مطراندازه‌ها، سی‌صدها و سایر دستیارانشان قرار داشت.

در آن زمان سیاست جارچی ایران به طور مشخص در جهت هموارکردن راه سازش با امیرتالیسم آمریکا، در جهت جلوگیری از آنگار و سی‌پرواز گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش صدامیرتالیسی که در جنبه، واحدی با انقلاب ایران علیه امیرتالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، در جهت تیره‌ساختن معضوبی مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کند، سیر می‌کرد.

در برخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، بریدی‌ها و فطرانده‌ها و سی‌صدها سانس ایران را درست به صورت دنباله، سیاست دشمنان شوکت‌خورد، انقلاب ایران و همه، انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان درآوردند.

نصادقی نیست، که پس از گذشت سی‌اردسال و سم ابرووری انقلاب، مبان کشور ما و کشورهای چون جمهوری دموکراتیک خلق چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که در اولین سنگ‌های مبارزه علیه امیرتالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، تازه دارد روابط سیاسی - برقراری می‌شود و دولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوجا خودداری می‌کند، و آن‌هم در شرایطی که این دولت انقلابی از طرف همه، کشورهای جنبه، جهانی صدامیرتالیسی و همه، جنبش‌های آزادی بخش ملی به رسمیت ساخته شده و سوا از طرف امیرتالیسم‌های آمریکا، اروپای غربی و روس، و سر چین و اسرائیل در رسم سبوسه و فریب‌های جوسوی و سایر

### دشمنان انقلاب ایران حرم خداست

مردم ایران و همه، سروهای راستین انقلاب با جسودی این واقعیت را در یاد بوحه فرامی‌دهند که از مدتی سنی از سرکاری سی‌صدر، و به ویرس از سرکاری و سرکاری خط آمریکایی مازس و سلم ارمدان فعالیت سانس جارچی ایران، کام‌های جدی در جهت منسوخ این گران سفارگونی برداشته شده است. این است که این کام‌ها سرآغاز یک طرح تاریخی در مساحت درت دوست، دشمنان انقلاب ایران درمندان بزرگ سرد می‌باشد.

به نظر ما در سالیان اخیر استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور به همسنگی با جنبه، عظم و سرآمد جهانی صدامیرتالیسی امکان‌پذیر نیست. این جنبه، به طور عکت‌ساز، شکل می‌گیرد از کشورهای سوسیالیستی. حسن اصل و انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رسدنامه و حسن‌های راست آزادی حسن ملی و صدامیرتالیستی حد آن‌هایی که در کشورهای خود به سروری رسیده و دولت‌های صدامیرتالیسی و مردمی خود خود آورده‌اند و حد آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال سرد می‌کند.

این جنبه محصول یک سرد تاریخی بسیار درآوردت سروهای نردیسی، محصول مبارزات بزرگ به دست ناله، طعه، کارگر در سراسر جهان، محصول سروری انقلاب کمر سوسیالیستی اگر در روسیه، محصول سروری اتحاد شوروی و سایر سروهای انقلابی حلفی و آزادخواه علیه فاسم آلمان و ایتالیایی و کوری و اس در حاکم دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی در بزرگ به دست کشورهای در دوران س‌ارحک، و سراجام محصول کامیابی‌های جنبه و سربردگی و برگشتن‌های صدامیرتالیسی و استقلال طلب درده‌ها و دهه‌ها کبیر دگرگاست. این جنبه محصول عالی تلاش تمام سرت مردمی دوران ما علیه سدادگری و عارتگری سرمایه است. تجربه سان داده است که سپا در چارچوب همسنگی با این جنبه، جهانی، حسن‌های راستین و اصل آزادی‌بخش ملی می‌باید به آماج‌های استقلال طلبانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌سروها، خود دست‌بند و، درست برعکس، بریدن سبدهای همسنگی با این جنبه، سرآمد جهانی، حسن گام در جهت افمان در دام‌های امیرتالیسم جهانی است. سروست انقلاب‌های وسام، کوبا، لائوس، کامبوجا، موراسک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، سین‌دموکراتیک، انبوی، افغانستان، هندوستان و دهها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندوسری، مصر، سوآن، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به سپهرس و جنبی این واقعیت دوران ما را نشان می‌دهد. دشمنان همسنگی با این جنبه، سرآمد جهانی و آن عناصر آنگاه کدر دام این دشمنان افاده‌اند می‌کوشد از راه نازی با واژه‌ها این همسنگی و کتک مفاصل برادرانه و سراجحقوق را به عنوان وابستگی جارسد و یوده‌های مردم انقلابی را از حرکت در این راه بازدارد.

واقعات انکارناپذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می‌دهد که دشمنان سرحد دوسوی و همسنگی با جنبه، جهانی صدامیرتالیسی، بر بره‌هایی که ظاهر شود، بالاخره مانند مطر رانده‌ها و سی‌صدها اربلاق سلیم صدامیرتالیسم سرد می‌آورد.

### دفاع ملی

با این استقلال ساسی بدون امکانات اطمینان بخش برای دفاع ملی سر نیست. در دنیای کوس، که سروهای محاور امیرتالیستی و رژیم‌های ارجحی برای شست باه‌های مرز لزل‌سده، کاج‌های فرما سولای عارتکرانه و جارانه، خود، اردت بازیدن به هیچ گونه جنبی روگردان نیستند. سازماندهی یک سسم نیرومند دفاع ملی، هم در زمینه، دفاع‌نظامی و هم در زمینه، امنیتی، یعنی دفاع در سراسر، خود حرانکاران و سوطه‌گران واسه به دشمن، از ضرورت‌های درجه، اول انقلاب است.

نجاور نظامی رژیم صدمردمی و جاساکار صدام‌پایان تجاوزهای نظامی امیرتالیستی سست، امیرتالیسم آمریکا و رژیم‌های ارجحی منطقه خود را برای وارد آوردن صرات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کند. آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در سیرامون ایران گسترش می‌دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه وجود می‌آید و پایگاه‌های موجود فعال می‌شود. ارتش آمریکا سروی صرتی و اکس سرج را برای ورود به عمل آماده می‌کند. و هم - پیمانان اروپایی او در تانو - عهدات معنی در این رسمه به عهده می‌گیرد. حلس فارس علا در محاصره، سروی در مانی و پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، سبکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می‌کند و رژیم‌های ارجحی مصر و سوآن و اردن و عربستان وارد سدوست‌های خطرناکی با امیرتالیسم و صهیونیسم می‌شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از حسین و حسان ترین آماج‌های نظامی امیرتالیسم در حاور زمانه است و برای این که در سراسر سوطه‌های نظامی امیرتالیستی نتواند از خود دفاع کند به ارتتی سرآمد، انقلابی و مردمی ساز دارد. تیروه‌های مسلح کشور به منظور دفاع در سراسر جزگونه سجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردید. کتبت سروهای مسلح سبکی دارد به وفاداری حدشه ناپذیر این تیروها در تمام سطوحی به آمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار گرفتن حکم‌اجراهای امروزی و کاربرد و آمادگی می‌ورری. باید ترشی داد که ارتش ایران سپهرس سلاخ‌ها را بدون وابستگی و فیدوسرط به دست آورد و از همه، امکانات برای خودکفائی ارتش تاجدمکن بهره‌گیری شود.

ولی همان‌طور که تجربه، دو سال و سم انقلاب سان داده، سرت اول و اساسی برای ایجاد حسن سسمی، ناکساری دقیق دستگاه‌های دفاعی و امنیتی و اسطامی از عناصر وابسته به دشمن و اتحاد سدی سرت راه سعود سئون نسجم، ساواکی، سلطه طلب، مائوشسی، لمرال و جراجارگر در این سبسا.

به علت احتیاج به نفت ایران، اجباری به پذیرش شرایط ایران انقلابی خواهد داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هر چه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیار مهم از اقتصاد، هم از جهت تأمین بازار فروش نفت و گاز و هم از جهت تأمین تکنولوژی و وسایل ضروری استخراج و بهره‌مرداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای چشمه‌جبهایی صدامیربالیستی و کشورهای که در راه تأمین استقلال اقتصادی خود کوشا هستند، امکان‌پذیر است.

تأمین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی راه‌هایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه‌کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و از بخش تعیین‌کننده توزیع کالاهای ضروری در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۲ و ۴۴ قانون اساسی، امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع میلطه به دست آورد. جامعه تنها از این راه می‌تواند سرعایت بخشی خصوصی نظارت کند و به عارتگری بی‌سود و گران سرمایه‌داران و محترکین و واسطه‌های بزرگ زائولفت که در طول دو سال و نیم پس از انقلاب، به‌گونه‌ای لحام‌کسخته زحمتکشان مبین ما را عارت کرده‌اند، لگام بزند.

**لزوم بی‌ریزی ملت اقتصاد خودکفای کشاورزی**

رسدن به استقلال اقتصادی بدون بی‌ریزی و سازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی و دام‌داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تجربی و اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

خستین گام در این راه پیمان‌خشدن به نظام جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌تای خون‌آشام، آخرین رمی ملسون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌کشد و بزرگترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تصویب و اجرای بی‌خنده و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

بی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، مسر خواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکشان روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازکردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دامداری و شرکت دولتی است. دولت، با کمک همه‌جانبه، دولت، در آن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین‌های کشاورزی و تأمین سوخت آن‌ها.
- تأسیس و تحویل کود ضروری و سایر مرغوب و پرمصرف.
- تأسیس و گسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذر و کود، خدمات عمرانی و راه‌نمایی دهقانان.
- واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره.
- فعالیت دانش‌دار برای تهیه آب، آبرسانی، برق‌رسانی و ساختمان راه‌های روستایی.
- خرید بگیا و آب‌بها مناسب مازاد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف‌خواران، واسطه‌ها و محترکان.
- کمک به ایجاد شبکه وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمره روستائیان.
- کمک به ایجاد شوراهای ده درکلیه روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و فنی به آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا.

**استقلال فرهنگی**

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی، مبین عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ درحال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" منطحات آمریکا هم بالاترین درجه خود رسانید، - به جایی رسانید که گذاشتن نام "عطار" و "سارگوری" روی تابلوها ننگ و عار به حساب می‌آمد و "سوبر مارکت" و "دراک استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران معنای آن را نمی‌فهمیدند و سی‌فهمد، نشانه تشخص و اعشار شد.

کره‌ترین داغ ننگ سرسخت فرهنگی رژیم وابسته آریامهری و اقیبت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور درحال رشد در جهان از آن برخوردار بوده است، در کشوری با این فرهنگ غنی و اصل، کدی بی‌شرف استادی‌ترین پایه فرهنگ مترقی، که با سوادکردن توده‌های میلیونی زحمتکشان است، کم‌نظیر بوده است. همین‌س که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته سرنگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زنان روستایی از نعمت خواندن و نوشتن محرومند و امکان سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شوک‌هنگد مبین ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین پایه‌کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ درحال انحطاط غرب و بی‌ریزی یک فرهنگ شکوفای ملی بود. امام - خمینی در رهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و مدارس باغرب زدگی در فرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمص دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که خواهد مدرسه‌ای باز کند، البته گام‌های قابل‌تأییدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان ملسون‌ها مردم به فرهنگ.

تجزیه دو سال و نیم گذشته نشان داد که همدارهای سازمان‌های مترقی در این زمینه تجربه اندازده درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که توده‌های مترقی، فدائی‌سنیزی و کمونیسم‌سنیزی، زیرچتر تظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها حاد صاف‌کنی برای نعود عناصر ضدانقلاب نظیر کشمیری، گلاهی، محسارزاده، معمری و ده‌ها و ده‌ها افسر کودتاچی از نوع باقری و علوی در دستگاه‌های ارتشی، پلیس و امنیتی بوده است. این اصل در آینده هم مسلماً به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواستهای ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به سروهای کین‌نور ضدانقلاب. تاریخ آینده انقلاب ما صحت این حقیقت انکارناپذیر را تأیید خواهد کرد و چهره کره قطب‌زاده‌ها، سی‌صدرها و کشمیری‌های افشا شده را از زیر نقاب‌های ریاکاری بیرون خواهد کشید.

در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبه سپاه پاسداران - از لحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سنگ و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش از پیش نیرو گرفته و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.

در امر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون سروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید سرمنای اصول انقلابی تحکیم شود و در خدمت آم‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گیرد.

**استقلال اقتصادی ضمن بی‌چون و چرای استقلال سیاسی است**

در این زمینه نیز انقلاب شوک‌هنگد مبین ما به دستاوردهای گرانسپاهی رسیده است. که هر یک سرسلطه بی‌چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، ضربه‌های کاری وارد آورده است. یکی از مهم‌ترین این دستاوردها همان کوتاه‌کردن دست غارتگر امپریالیست‌های جهان‌خوار از منابع سرشار نفت ایران است که با لوف کله قرار - دادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحله راه‌هایی از تسلط احصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی‌رغم این دستاورد بزرگ و دستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز در تار عنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست‌وپا می‌زند و هنوز با صدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک‌جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مونتاژ، که بخش عمده صنایع ساخته شده در چارچوب وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، هنوز در این چارچوب دست‌وپا می‌زند و آینده روشنی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سیاست مزورانه و دوربانه امپریالیست‌های زاپسی در مورد خودداری از ادامه بخش کوچک، پایانی ساختمان مجتمع پتروشیمی نشان می‌دهد، این غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسبات دوران آریامهری، یعنی دوران غارت بی‌بند و بار ثروت‌های ملی ما، حاضر به همکاری با کشور ما هستند. از همان روز پیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام تار و پودش می‌شناختند، روشن بود که سیاست‌رسدن به استقلال اقتصادی برای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی و تلاش برای بهره‌گیری از مناسبات برابر حقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه اول با کشورهای چشمه عظیم صدامپریالیستی جهان امکان‌پذیر است. تنها در چارچوب این مناسبات است که کشور ما می‌تواند از ثروت‌های عظیمی که در اختیار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه نتایج کار مجتمع‌های بزرگ صنعتی ذوب‌آهن اصفهان و پتروشیمی‌ها تمام و نین کارخانجات گران‌قیمت فولاد گازی با بگدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزید. راه رسدن به استقلال اقتصادی مبین ما از کارمیدان‌های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین‌سازی و پتروشیمی، که باید هر چه زودتر دست به کار احداث آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، در جهت نابودی استقلال سیاسی و تعدیل وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان‌خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما روزبه روز ناامدتر می‌شوند، در مورد کشور ما، چنانچه در مواضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خود یادآور شده‌اند، همان‌ساستی را اعمال خواهند کرد که ۲۵ سال است در مورد کوبای انقلابی و چندین سال است در مورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند، یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تحریم خرید نفت ایران. در این زمینه امپریالیست‌ها از حمایت دستیاران خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکننده نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت زاپسی از ادامه خرید نفت ایران، که مسلماً در رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی- هلندی تحت انجام کره، حلقه‌ای از ربحر این اعمال فشار اقتصادی است. ساده‌ساز است اگر تصور شود که امپریالیست‌های جهانی، ناتوجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت‌خیز زیر تسلط خود دارند، بیش از ابعاد انقلابی در این کشورها

کمیوندا، اشتباهات، خرابکاریها... که در همه زمینهها اثر گذاشته است. در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد. به علت تسلط غربزدگان و آمریکازدگان و بیرون خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنبالهروان آن، از یکسو، و عملکرد گروههای وابسگرا، که با هرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، از سوی دیگر، امکانات بسیار مساعد و برتری در دوسال و نیم دوران انقلاب از دست رفت، و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، قرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد، صایع، کشاورزی، ساختمان، فرهنگ، آموزش و پرورش، سازماندهی کشور و غیره را برعهده دارند، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوشه‌های از دانشکده‌های پزشکی، در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجو، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بیکار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی، تشنه آموختن و به کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی مسین، در حال انتظارند. هرسال دهها هزار دانش آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند. همه این‌ها در مجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بذرافشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزار جوان مسین‌ها، که اکثرشان از وابستگان به اقشار میانه و بخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش از یکصد هزار نفر، که اکثر آنها از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخورداری از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دعوی دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشار مرفه، با هزینه ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه تحصیلی سالیانه در حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار برای هرنفر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهان آنست!

این نقیض آشکار با هیچ "برهانی" قلیل توجیه نیست. نهضت سوادآموزی، که در آغاز سیروی عظمی را با شور و شوق خود جلب کرد، به علت تنگ‌نگری و قشری‌گری مسئولان در حقیقت به حال رکود افتاده است. تاسف‌انگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که بسیاری از طلاب علوم دینی نیز از آن عاجزند از شرکت در پیکار علیه بیسوادی محروم می‌مانند.

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که در این میدان مهم نبود هم ایران‌نظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر تنگ‌نکر و قشری و با به کار بردن همان شیوه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به طور موثر به کار برده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هرچا بتوانند آن را به بیراهه بکشانند. رشد یک جامعه در دنیا کنونی و آینده، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن، در زمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر عمیقاً قابل تصورات. مسلماً می‌توان با چارچوب‌های یولادیی جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سونیکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیر تاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیر تاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

بر پایه این اعتقادات است که حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یکسو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نکر و وابسگرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از دست‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غرب‌زدگی و انحطاط از دست و پای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه‌جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همه ارزش‌های فرهنگی مترقی و مردمی جهان بیرونی ما، باشد.

## ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند مبین ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر اعمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قام کردند که آن نظام تنگن بین خودکامه را براندازند و نظامی برخاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگرمناخ این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تعبیر و اجرا کنند: سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال کلمه آزادی را برای فریب مردم به کار برده و به مناسبت آزادی منحرف کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی

گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی اسباب و ابزار آزادی شدند. آزادی سبزه‌کشی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت‌گری سبزه‌کشی از تنگ‌نکران و خودمحوران آزادی را فقط برای خود به مقت سبزه‌کشی کردند و تحمیل نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه در صورت سایرین و چه در صورت پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای وسیع و عمیق می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده و برای اسباب آزادی سبزه‌کشی کردند. انقلابی راستین که با تمام نیرو از انهدا سبزه‌کشی کند، خواهی‌خواه، خط امام خمینی پسناسی می‌کند. آزادی را برای سبزه‌کشی ملیوسی کوخ نشنان، محرومان، مستضعفان، و با نا کلاسی تنگ‌نکران و زحمتکشان شهرو روستا، می‌خواهد. آن آزادی که ما سبزه‌کشی کرده‌ایم محروم برایش مبارزه می‌کنیم، از نوعی است که سبزه‌کشی سبزه‌کشی ما، سبزه‌کشی در دوران اسداد سیاه آریامه‌پوری، از آن محروم بوده‌است. سبزه‌کشی شدن از غارتگری چپاول‌گران، آزاد شدن از نوع اسارت سیاسی و سبزه‌کشی خواه استبداد آریامه‌پوری، آزادی آریوس و دنبیره، دانشی به سبزه‌کشی این با آن اندیشه اجتماعی، آزادی برسدگی و سبزه‌کشی آزادی از سبزه‌کشی رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی از رسم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که از کارگران همه ارشدهای واقعی جامعه هستند، بر آنیم که ماس آزادی‌های واقعی برای این توده‌های دهه‌ها می‌بوینی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای سبزه‌کشی مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان بر پایه محرومیت است سبزه‌کشی است. سبزه‌کشی خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و جابجایی سبزه‌کشی توده‌ها را از غارت شدن آزاد کرد.

دکس سان، مبارزه در راه تامن آزادی برای توده‌های دهه‌ها می‌بوینی، حیرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، ماطع همه ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با لحد برهنه به خودمحوران و تنگ‌نکران و قشری‌گرایان، که برای سایر انقلاب‌ها سبزه‌کشی می‌گرددند تا زورمندی را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند. هرآنچه سبزه‌کشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول آریامه‌پوری و سبزه‌کشی تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تثبیت شده است. امام خمینی، بر انقلاب و بساینگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همه کسانی که قصد پوشش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته‌اند، تاکید کرده‌اند.

ولی تاگمال تاسف جریان اوضاع در کشور ما حتی سبزه‌کشی از نکات مطرح شده در قانون اساسی را در رسته آزادی‌های فردی و اجتماعی، به حال معطل درآورده است. سخن قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که با روی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی‌دارند، از بسازی از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد سبزه‌کشی، دست‌های گروه‌های غیرقانونی اعمال فشار، دفاغ احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کلاه‌روسی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از اس راه، حو ترس و وحس را حاکمین آزادی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

با بهره‌گیری از همین جو تاسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ربا و تروری و داس رس و سبزه‌کشی کشمیری‌ها و کلاه‌ها و فخارزاده‌ها، به سبها در سبزه‌کشی انقلاب و نگاه دولتی، بلکه در رسانه‌های گروهی و برخی سبزه‌کشی سبزه‌کشی جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سبزه‌کشی و غارتگری جنبه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب سایرین می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموکاران و سبزه‌کشی و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی تثبیت شده‌است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌نظیری به غارت وحشیانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در برابر کشور، و گروه "سب" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با نظاره افراطی به مذهب، همه‌جا مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حرب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مشولت پدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی نهدند برای روند سبزه‌کشی تحکیم انقلاب درآمده‌است، در درجه اول مسووع طف سبزه‌کشی سبزه‌کشی ضد انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست‌دگر حاکمیت و با در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "حب در جامعه، می‌دانند.

جنبه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و بودهای در جامعه انقلابی ما است. این جنبه در عین آنکه فریادهای ضرورتی از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. آزادی موردعلاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیبرال‌ها، قطب‌زاده‌ها، سبزه‌کشی این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای مدارک کودتای سبزه‌کشی "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مترع و

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه نوم امپریالیستی برای مضعف نیروهای ضدامپریالیستی است، محری این نقشه بلند نبود، رجویها و خیابانیها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودالها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما حیاست کرده‌اند، آنها را از خود برانید، بدانند که این جمهوری با وجود همه ناراستی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتی و بویژه در ماه‌های اخیر صریحاً دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را از فرجه بیرون کنید، نطبعات امپریالیستی را ناور بکنید که می‌گوید رژیم در حال سقوط است، حصار فکری را که سازمان‌ها با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامپریالیستی دور ذهن شما کشیده‌اند، شکنند حرف‌های سعادی را بکنار دیگر بچواند، همه سخنان را بسنوبد و سکوبرس آنها را برگزیند، ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر ناراستی‌ها و کمبودها و اشتباهات حتی از حاکمیت اسواژ بکنید، فدیت با امپریالیسم و تلاش برای لجام‌زدن به غارتگری سرگمالکان و کلان‌سرمایه‌داران‌رامد، فرار دهند امپریالیسم‌ها و مرجعین همگی حظ منی مجاهدین را می‌ستانند و از رجوی حمایت می‌کنند، تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری امپریالی ایران در برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیستی حیات می‌کنند.

نحریه تمام حسن‌های انقلابی نشان مدهند که ادامه‌دهنده‌ی با نیروهای که با امپریالیسم می‌سپردند، بلااستثناء و بدون تردید همه‌دستی‌ها امپریالیسم‌ها کشیده‌ی می‌شود و هر چه آن دمنسی‌کننده‌ی ما باشد این همدستی ناگریزتر شود عنین حال مخلصانه‌تر خواهد شد، آما سرپوش غبار مائو و دارودسته‌اش هنوز هم برای شما درس عبرت است؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راسین راه‌انقلاب، ایران علیه بر استنهاب و خودمجویی‌ها را آرزو می‌کنند و آبان را فرا می‌خواهند که تمام سرو در بازگرداندن، آرایش منکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد خرجه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند، ما آرزو می‌کنیم شرایط فراهم آید که همه نیروهای ضدامپریالیستی بجای آنکه سروی بکنند سلاح بکنند و برای قتل بکنند مصمم بگیرند، توان آنها باشند که مسائل خود را با بکنند از طریق انتقاد خلقی حل‌کنند و حسیه خلق را متحد سازند، ما برای فراهم آوردن جس مسماستی از هیچ کونسی دریغ سواهم کرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه سروهای راسین انقلاب را مخاطب فرار می‌دهند و از آنها می‌طلند تا تمام سروی خود را برای پایان‌بخشدن به این فحاح خوشی که بدون تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به سرگردگی آمریکا به جامعه رجذبیده میهن ما حمل شده‌است، بکنار اندازند.

منظر ما تنها و نگاه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش منکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است.

ما بکنار دیگر بیستادهای خود را تکرار می‌کنیم و امذوارم که مورد توجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما بیستادهای می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضا و هواداران سازمان‌های جیبرو، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات بانآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌تواند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

**ج. عدالت اجتماعی**

انقلاب ایران رژیم را سرکون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود. سید نظام آریامیری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرگردگی خاندان فاسد بپهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آریامیری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگزاران و دستارانشان چنان زرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظری برای آن یاف. درآمد ماهیانه یک آمورگار و یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود، طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده‌بود و این ثروت قطبم را انحصارهای امپریالیستی تولند کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان بپهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ‌انگیز و فرماندهان ارتش و دگر نیروهای مسلح و ماموران بلندپایه دولت آریامیری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرکون ساخت، توده‌های ده‌ها میلیونی رستمکنان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام ذکرگویی‌های سعادی را در جهت ماس عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به عارت غارتگران و اسکل‌ها و بکنار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالارشدن رفاه عمومی، سبداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ اصل اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، جواسار شدند.

وایسته مطغه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین ضدامپریالیستی و مردمی - اعم از بیروان خط‌انمام خمینی‌ویا بیروان سوسیالیسم علمی، هسند. حسیه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک‌مروانه خود، معنی فریادگشتن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای اتحاد محیط عدم نجات، با نوسل به همه اقدامات جنایتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آنتزردن خرمن‌ها، تخریب کارخانه‌ها، فلج‌کردن اقتصاد کشور، ترویج گرابی، بی‌اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست آنکه، با این اقدامات آغددر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، نا نتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت میانه‌روی" باب‌طغ آمریکا هموار سازد، دوم آنکه اگر فعلاً این هدف دست‌نریزیدر نیابد، از راه کشتار مسئولان واقع‌بسن، راه را برای به قدرت‌رسدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. حسیه متحد ضد-انقلاب امدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری سازمان مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های جیبرو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای بازکردن سدهای اجارت ملی و طغانی دم می‌زدند، به این خیل سگین "آزادیخواهان"، که در حقیقت گورکشان آزادی هستند، بی‌بوسته و بیروان گمراه‌شده خوشی را به ابزار توطئه‌های خاسان‌برانداز ضدانقلابی حسیه متحد ضدانقلاب مدول کرده‌است، نتیجه عملی فعالیت این سرو همین است که امروز شاهدش هسیم. هر هسفته، در خسان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان باست آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از من گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و جسد نغز از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شود. ساواکی‌ها و صدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لسرال‌ها و ستون‌بنجم مائوئیستی آمریکا در کنار این معرکه خون‌آلود با کوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و سبازی از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگر سبزی از یک هزار و یانصد نفر اعدام شده‌اند. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که سود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران توجوان گمراه جدا کنند، خلق حق دارد و باید دشمنان سوکدخورده انقلاب، خاشین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین مشاات سرکوب کند. در عین حال باید با اتحاد سیاست اثرشادی شرایطی فراهم آورد که توجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفتانند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مرم انقلاب است که از اعدام‌های عسولانه و ناسمجده مطلقاً احتیاب شود و مواردی حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودی می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بکنار ضدامپریالیستی اعلام آمادگی می‌کنند معوق بماند تا در زندان به آبان فرصت داده‌شود که بیرون‌راهی که رفتانند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندشند و صداقت خود را عملاً به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند گام سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش منکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌نابذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و گمراهان را، بدون ترس و وحشت از برگ، بدون توسل به دروغ و نیرنگ، صادقانه به زندگی مفید سیاسی و اجتماعی بازخواهدگرداند.

اطمینان داشته‌امسیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از شخص مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی عملاً سزبان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهد شد.

تاریخ جامعه بشری از ردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم برداشته باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارتداد و افتاع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عبده از "مجاهدین خلق" و "جریک‌های اقلیت" و مطائشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب میسب ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که بر دوش دارند، از آنها می‌طلند که بدون درنگ، با بندگرفتن از گام جسورانه همزیشان سعادتیی، تمام نیروی خود را برای خشی‌کردن خیابان رهبران خود و پایان‌بخشدن به این فحاح به‌کاراندرند.

مسطر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این سرخورد‌ها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و صدانقلاب داخلی و امپریالیسم‌های خوخواار حامی آنان سرازیر می‌شود و زبان‌های جبران‌ناپذیر آن، ماسد آواری سسر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

تسکند کردن کاری از پیش نمی‌رود. و نیز ارشاد و تحریک سردوستی و بی‌برویی هم در سرمایه‌دار زالوصفت تأثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خورد: «سلاخی را می‌خورد، جریبه را می‌بردازد، ولی از همان فردا و با خداکش پس از سازگس از یک ماه استراحت اجباری، به تنها چند برابر جریبه‌های پرداخت شده، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان سررومی‌کشد»

یگانه راه، سرقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، نندارک و سورج کالاهای ضرور و محدود نگاه‌داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات ححن دولتی و تعاونی است. اس تنها شوهایی است که در ده‌ها و ده‌ها کشور دکر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته‌است.

سند با سرقراری هرچه سریع‌تر و رسیده‌تر تک سسم مالیاتی سسم درآمدها، امکان تراکم سی‌سودآور و سرمایه را از زالوها گرفت.

سند اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و فاطع به اجرا درآورید و سروب سی‌سایقه‌های را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازساند و از راه وایس آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تأمین حواست‌های خصای مردم رحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

سند آنچه را که شهید دکتر ناصر هنگام تقدیم سرمایه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم احرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت سرورج و عادلانه بیان داست، هرچه زودتر عملی ساخت.

ساید مسئله تأمین مسکن را جدی‌گرفت و با برنامه‌های فوری و درآرمدب کام اساسی در این راه برداشت. همین‌طور است مسئله تأمین سهداشت عمومی برای محرومان، که ساکمال تأسف در قبایس یا روزهای نخستین سرورجی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه سهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس سدر سده است. فدکاری و گذشت قابل‌سایش گروهی از یزشکان و کارکنان معسبده انقلاب در ححن دریمان و سهداشت ننوانسته و سی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه، چیره شود.

اختزاتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی مورج ۱۹/۷/۱۳۶۵ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتحادتصمیمات قانونی در جهت تأمین عدالت اجتماعی فراهم کرده‌است. با اس‌سایخ امام، دشواری‌های شه‌قانونی که در سربار اجرای تمام و کمال اصول یادشده فاجور اساسی، انجام تحول بسیادی در عرصه اجتماعی و تأمین حواست‌های زحمتکشان وجود داشته، از مان برداشته شده‌است. ابیک بعهدده مجلس شورای اسلامی است که از این اختزاتر به بهترین وجه سبیره گرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام منسی که در این سمت برداشته شود بهشتسانی خواهند کرد.

**عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان**

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در سرورجی انقلاب و در روند نسبت و تحکیم آن داشته و دارند. امام‌خمینی رهبر انقلاب سارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را یادآوری کرده‌اند. زنان جامعه، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی که گریبانگر همه زحمتکشان میهن ما از زن و سمرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و فوانیس و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند.

زنان نیی از ملت ما را تشکیل می‌دهند و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی سسار کند خواهدبود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حواست‌آرند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به ستمگری عدالت‌سزوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما نتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی، در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام متقابل از همه حقوق متکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

**عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق‌های غیرفارسی**

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صداهالان به این سو خلق‌های فارس، آذربایجانی، کرد، سرکس، بلوچ و عرب دریک اتحاد برادرانه و برای آماج‌های مشترک اجتماعی و انسانی درجهت بدست‌آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امبرالیسم خلق‌های غیرفارسی جامعه ما علاوه بر بار محرومیت‌های ناشی از سلطه استعمار و استعمارنو و غارتگری جنایت‌باز طبقات حاکمه باز سنگین محرومیت‌های ملی را بدوش کشیده‌اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده‌اند.

محرومیت‌های ملی صرفنظر از اینکه در دروان‌های معینی امبرالیسم و ارتجاع داخلی توانسته‌اند این محرومیت‌ها را بپایه‌ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ماست.

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان‌بخشیدن به آنست.

حرب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سربین عقده‌اند که تنها با براداحتن ستم ملی که فرهنگسب سرخلق‌های غیرفارسی اعمال شده است و تأمین حقوق تصع شده آنان در چارچوب "خودگردانی" و "با‌خود-مختاری" فرهنگی و اداری می‌توان عوامل اسحاد تحریک و سسح را از دشمنان

انگور پس از گذشت دوسال و نیم از انقلاب، با فاطعت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که درجهت محدودساحت غارتگری کلان چپاولگران امبرالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه سهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رجایی به این محرومان می‌گفت:

"سما هم باید فریاد بزنید: رجایی! مستضعفین هیچ چیز گیشان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران را هنوز سشان برسیم. هنوز نتوانسته‌ایم بر متولسینی که نماز می‌خوانند بگوئیم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ شهریور ۱۳۶۵

این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سبحانی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۵) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثناء سود برده‌است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت ... به خود بنسده گفتند سودی را که در این دوساله بخش تجارت برده‌است، در تاریخ ایران نظیر نداشته‌است.

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف‌کننده فروخته شده‌است. سال‌گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده‌شده‌است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده‌است. در بخش

کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده‌اند. سرای مثال کارخانجات نساجی چه‌کار کرده‌اند. متقال هرینه تمام شده‌اش، با تمام افزایشی که در نرخ ینیه هست، حدود متری ۶۵ ریال می‌شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنگددارها فروختند و آنها نیز به مصرف‌کننده تا متری ۳۳۰ ریال، یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته البیاف مصبوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند."

پیامد این غارتگری بی‌سندوبار، گرانی سراسر آوریست که مانند کابوس بر کرده ده‌ها میلیون زحمتکش کم درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرسای‌تر می‌شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و موردبشیتسانی است، ولی قطره‌ای است در دریا و همین‌طور است مسئله سهداشت ...

علی‌رغم خدمات گرانسبانی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک‌رسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می‌دهند، هنوز بزرگ‌مالکان و خان‌ها اختیاسوت‌وار بر اکثر روستاهای ایران جنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند.

چنین است گوشه‌هایی از آنچه که در دوسال و نیم‌گذشته در زمینه تأمین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و با بهتر بگوئیم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازارگان‌ها و ابزیدی‌ها و صدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نوییری‌ها بر سباست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی‌سندوبار این غارتگری آماده می‌ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، با سبهرگیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امبرالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با جنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تأمین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از حواست‌های خود را در زمینه تأمین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴ - ۴۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استعمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده‌است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ساید برای درهم‌شکستن همه توطئه‌های جسبه متحد فدائقلاب، که می‌گوئد توده‌های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد، به این حواست سرحق محرومان، یعنی پیاده‌کردن اصول قانون‌اساسی در زمینه تأمین عدالت اجتماعی، جامعه عمل بسوشاند.

ساید با خارج‌ساختن شراب‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سبردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با نفوس همه حاسه بخش دولتی و تعاونی و محدودساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریامبری را از ساد دگرگون ساخت.

همان‌گونه که تجربه شان داده‌است، با شلاق‌زدن و جریبه‌گرفتن و یک ماه

نوطه‌های جانسکارانه آمریکای جهانخوار است. خلق کره پس از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون کشیدن بخش جنوبی میهن خود از جنگال خوین راهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر نوطه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آرگاز قهرمانانه رزمند تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج نوطه‌های آمریکا و خاشاک جینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌ها نبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن، دوموکراتیک، انبوی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که نوانتخابات استقلال خود را بدست آورد و در راه نامین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد. هدف نوطه‌های راهزانه پان‌بایدی امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پچه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌شده دیگر آمریکا، و خلق یمن با آفریقای جنوبی، دستیار امپریالیسم جهانی، در سکار مرگ و رسدگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، و دسوار و عریض. ساده‌بینه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این سال سرد حداکانه، مبارزه با امپریالیسم جهانخوار آمریکا، پایان خواهد دیدیریم. اس دشمن تاکنون نوانتخابات در کشورهای چون اندونزی، شلی، مصر، کنگو، سوآن، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ابتار در مبارزه مرکوز زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گردن این دشمن شیر جامعه انسانی مصون دارد.

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه شکستگری، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین محیط‌هایی است که دشمنان مکار و کارگشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند، با کمک آنها سهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌یابیدر، با حد ایجاد برخورد‌های خونین برادرکشی، می‌روایند.

مسافرت هشتی از مسئولان فئدلیپه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دسرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره، مسافرت ساسدگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الحزب‌یولیسی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جیسه پایذاری، دسدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فئدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دسذار با فئدلی کاسترو دسر اول کمنته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گوازه نراین واقعبت است که در جهان ما، همه نیروهای که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع ساه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شریکند، صرفنظر از معتقدات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جیسه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

اتوجه به این واقعبت، این سوال پیش می‌آید که: یس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کم‌ایرس و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنحانی را در یک جیسه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و با حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عده‌ترین مسائل مربوط به سرشوت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی سائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشور ما یس به کارگرفته شود ناماران بیروحه امام خمینی و توده‌ای و فدائشی (اکثریت) ستیبار، سنگبری اسقلال‌طلبانه و آزادخواهانه و عدالت‌جویانه امام، و سایر نیروهای وفادار به این آماج‌ها، در یک صف واحد متحد گردند.

نمطر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، این عامل تاریخی جهانی، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز صدامپریالیسم و صددادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می‌نویان و باید در جامعه ما بکار گرفت. سرشوت انقلاب ما به این امر سئگی دارد. این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که، با دست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم‌سجده را گشود و کوتاه‌ترین، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت. بی‌اعتسابی به این ضرورت تاریخی، انقلاب ما را در سی‌راهها سرگردان خواهد کرد.

برادران و خواهران همزم !  
سایند، همه، سروهای خود را برای سحق اتحادسریک تاریخی خویش به کار گیرم. فراموش نکنم که اتحاد، سرده‌ترین سلاح ما در بکار علیه دشمنان انقلاب است و درست به حسن حسب سیر دشمنان انقلاب ما تمام سروی جسمی خود را برای طسوکسری از سحق چنین اتحادی به کار انداخته‌اند.

برما است که این نوطه، دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با آگاهی روبرو سازم -  
برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی !  
پیروزباد انقلاب بررک صددادادی، صدامپریالیستی و مردمی ایران !

کعبته مرکزی حزب توده ایران / کعبه مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انقلاب کرمت و اتحاد داوطلبانه و صادفانه، همه خلق‌های اسرار را براساس دوستی و حقوق برابرملی شامس عودت اتحادی-که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم جناسکار آمریکاست.

\*\*\*

نگاهی به واقعبت‌های حاکم بر جامعه کنونی، مارا با دشواری‌های بسیاری که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قدعلم کرده‌اند، آسا می‌سازد. چیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلما کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلانی از آنها، همه دشواری‌ها را از سر راه خود بردارد. یکی از عده‌ترین این نیروها و امکانات، گجسه عظم تجارب خلق‌های محروم جهان در نبردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را به دیگر خلق‌های محروم نوصه می‌کنم. ولی تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه ریمه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زبان‌آور اکنون در سخن چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعبت این است که یس از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های یوسیده جنایت‌بار و عارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تسخت و تحکم مخشیده و گسترش داده‌اند، و یس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به جس پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والایی تازه‌ای به گجسه بیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های سیرد اجتماعی و سوزده در نبرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی بسود محرومان، از حجاب گراسهای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعبت تاریخی بارها آزمون‌سده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و منگی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جابرانه سرنگون‌سده، ده‌ها بار دشوارتر و عریض‌تر از برپاداشتن یک نظام کینه‌است.

### پیام ما به همه نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و همزمان ارجمند  
پیام ما به ساس :

به شما مسلمانان پیرو راسس امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر نوطه‌های امپریالیسم اسنوار استاده‌اند و با هرگونه مسخ محسوی واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنند:

به شما رحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه اسقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمند:

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمدمان، آرزوهای حق طلبانه خود را معکس می‌سیند.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی صد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر مسلک و عقده‌ای است.

پیام ما، سسر به شما هواداران راه‌گم کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که سسب خیانت سرخی از رهبران و انتساعات سرخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شامس.

بباید دست در دست هم بزرگترین نوطه دشمنان انقلاب ایران، یعنی نوطه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم نکنم و جیسه مسخ دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار اسقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران همزم !

بباید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جیسه نیرومرد و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان بلند آن را سازمان دهیم و طوبان همه نوطه‌های کنونی و آینده آنها را در هم بچسبیم !

مردم زحمتکش میهن‌مادسب در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام اسعداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دسربنه آنان یعنی اسقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را نامین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق اسنراتزیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوچگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود سرائگتخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که محور عنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارد، سبجوجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های اسقلال‌طلبانه، آزادخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند.

ما می‌سینم که اتحاد شوروی، یس از ۶۴ سال که از انقلاب می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم چسان آماج انواع